

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۱۰ / فروردین ۱۴۰۲ / ۳۰ مارس ۲۰۲۳

مسمومیت دانش آموزان



## در این شماره می‌خوانید:

حمله بیولوژیک به دانش‌آموزان، مصداق بارز جنایت علیه بشریت

مسمومیت دانش‌آموزان ایرانی و سکوت سازمانهای حامی کودکان

مسمومیت دانش‌آموزان جرمی غیرقابل گذشت است

حمله شیمیایی به مدارس؛ جلوگیری از کنشگری سیاسی زنان در ایران

مسمومیت شیمیایی در مدارس ایران

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، علی اصغر فریدی، سیروان منصور، جواد عباسی توللی

صفحه بندی: مهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

## حمله بیولوژیک به دانش‌آموزان، مصداق بارز جنایت علیه بشریت



محمد مقیمی

جدی برخوردی کنند. چه اینکه ساختار فاسدی که این نظام بطور عامدانه ایجاد کرده، آنچنان در تار و پود آن تنیده شده که جدا کردن آن میسر نیست و هر گونه برخورد جدی با آن موجب فروپاشی کل نظام خواهد شد. سوم، اگر ادعای خود نظام مبنی بر بی‌اطلاعی و نیافتن سرنخ این حوادث را بپذیریم، در واقع دلیلی محکم بر اوج بی‌کفایتی این نظام در تامین امنیت کودکان و نوجوانان است.

وانگهی، به نظر می‌رسد، در کنار تنبیه کودکان و نوجوانان بنابر خواست رهبر جمهوری اسلامی، هدف دیگری که از مسمومیت دانش‌آموزان دختر در مدارس مد نظر عاملان است، جلوگیری از ادامه تحصیل آنان است. در واقع، گروه‌های تندروی مذهبی می‌خواهند، زنان را در پستوی خانه‌ها نگاه دارند و معتقدند که زنان باید نهایتاً به خانه‌داری و پرورش بچه مشغول باشند. بنابراین، حضور دختران در مدارس به ادامه تحصیل در دانشگاه و سپس به اشتغال، حضور و ایفای نقش زنان در جامعه منجر می‌شود. موضوعی که هم‌اینک نیز جمهوری اسلامی از آن هراس دارد و گمان می‌کند که یکی از دلایل خیزش اخیر، روحیه مطالبه‌گری زنان است که در اثر حضور آنان در جامعه ایجاد شده است.

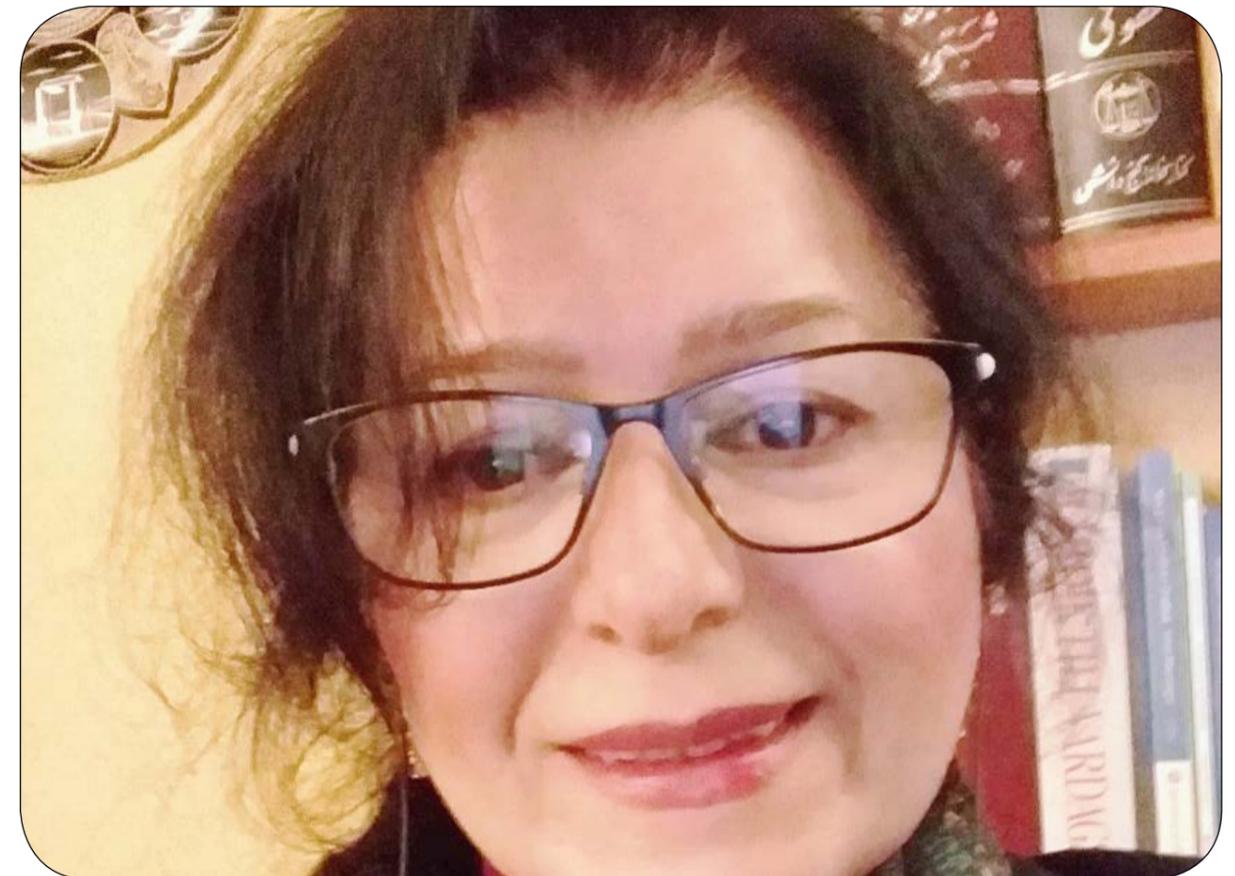
شایان یادآوری است، در طول تاریخ چنین عمل جنایتکارانه‌ای سابقه نداشته است. در واقع، در جنگ میان کشورها، جهان شاهد حملات شیمیایی و جنایات جنگی علیه افراد غیرنظامی و کودکان بوده است. ولی اینکه یک حکومت از سلاح شیمیایی یا بیولوژیک (اگرچه در مقیاس کوچک) علیه مردم خودش آن هم دانش‌آموزان استفاده کند، بی‌سابقه بوده است که این خود نشان از فاسد، ظالم، جانی و منحصر به فرد بودن این نظام در شقاوت و شرارت دارد.

اما از نظر حقوقی، این جنایت منجرکننده در کنار کشتار مردم در کف خیابان‌ها، نابینا کردن، ضرب و جرح، شکنجه، تجاوز و قتل‌های حکومتی به دلیل گستردگی و سازمان‌یافتگی بطور قطع جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. ولی به علت ناعادلانه بودن نظم کنونی جامعه جهانی و خلاء ضمانت اجرا در حقوق بشر بین‌المللی، امکان محاکمه عاملان جنایت علیه بشریت در ایران در یک دادگاه کیفری بین‌المللی در حال حاضر وجود ندارد.

یکی از ویژگی‌های خیزش اخیر مردم ایران، فراگیر بودن آن بوده است. یکی از گروه‌هایی که در این خیزش بسیار نقش تأثیرگذاری ایفاء کرده‌اند، دانش‌آموزان بوده‌اند. در واقع، دو عامل زمان و نسل جدید، بزرگ‌ترین عواملی هستند که جمهوری اسلامی را چنان مضمحل خواهند کرد که آیندگان در دو صفحه کتاب همراه یک پوزخند از آن گذر خواهند کرد. این نقش دانش‌آموزان موجب بیم و خشم مقامات جمهوری اسلامی و در راس آنان علی‌خامنه‌ای شده است. بطوری که وی طی یک سخنرانی خواستار تنبیه دانش‌آموزان معترض شد. بنابراین، پس از گذشت مدتی از خیزش مردمی در ایران، امروز شاهد مسمومیت دانش‌آموزان دختر هستیم. بطور قطع، عملیاتی که منجر به مسمومیت دانش‌آموزان می‌شود، نتیجه خواست علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر تنبیه دانش‌آموزان است. به نظر می‌رسد؛ گروه‌های مذهبی افراطی به چنین اقدامی دست زده باشند. اما بطور قطع، این گروه‌ها در درون نظام و از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی هستند. چه اینکه دسترسی به تجهیزات و سازمان‌یافته بودن این اقدامات جنایتکارانه از گروه‌های افراطی خارج از نظام جمهوری اسلامی، بر نمی‌آید. اگرچه، برخی بر این باورند که این اقدامات با اراده مستقیم خود نظام صورت می‌گیرد و نسبت دادن آن به گروه‌های افراطی خودسر صحیح نیست.

نگارنده بر این باور است که حتی اگر این اعمال جنایت‌بار از سوی گروه‌های تندروی خودسر ارتکاب یافته باشد، چیزی از مسئولیت مقامات نظام و در راس آنان علی‌خامنه‌ای نمی‌گاهد. نخست اینکه وقتی رهبر جمهوری اسلامی به آنان که آتش به اختیار می‌خواندشان، چک سفید امضاء می‌دهد، نمی‌تواند از مسئولیت اقدامات آنان شانه خالی کند. دوم، حتی اگر مقامات جمهوری اسلامی با این عمل جنایتکارانه مخالف باشند، نه می‌خواهند و می‌توانند با عوامل آن بطور

## مسمومیت دانش‌آموزان ایرانی و سکوت سازمان‌های حامی کودکان



علی‌اصغر فریدی

در رابطه با موضوع مسمومیت دانش‌آموزان ایرانی، نیره انصاری می‌گوید: هرنوع سم و آلودگی زیست محیطی که جان و سلامتی افراد را به خطر افکند، می‌تواند مصداق سلاح بیولوژیک یا میکروبی باشد. در ماده ۱، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت آمده است: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

نیره انصاری، حقوقدان و فعال حقوق بشر، در مصاحبه با مجله حقوق ما به صورت مفصل به موضوع مسمومیت دانش‌آموزان ایرانی پرداخته که متن کامل این مصاحبه در زیر آمده است.

**مساله مسمومیت شیمیایی و بیولوژیکی مکان‌های آموزشی مثل مدارس در قوانین حقوقی و جزایی ایران چگونه تعریف شده است؟ قانونگذار برای مجازات مرتکبین این حملات، چه مجازات‌هایی در نظر گرفته است؟ مواد قانونی این مجازات‌ها کدام است؟**

عنصر امنیت در حق آزادی و امنیت شخصی موجب گردیده تا گستره این حق از شرایط شکلی آزادی فیزیکی فراتر رفته و شئون دیگری را نیز در بر گیرد. امنیت شخصی در حقیقت روی دیگر سکه‌ی تأمین و تضمین شرایط آزادی فردی و یا دیگر آزادی‌ها است. در رویکردی دیگر، امنیت مفهومی است که خود می‌تواند تأمین یا تضمین گردد. امنیت خود

مفهومی ماهوی است که قابل کسب بوده و مورد هدف قرار می‌گیرد. قدرتمتین سیر تطور حق آزادی و امنیت شخصی در سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر نشان از افزایش توجه و اهمیت حق امنیت دارد.

پیشترها، اهمیت دو حق آزادی و امنیت شخصی به مثابه وجه دیگر آزادی شخصی بود و تضمین‌کننده شرایط آزادی فیزیکی به شمار می‌رفت. اما اکنون امنیت در مفهومی فراتر، تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد بین‌المللی را تضمین می‌نماید و حتی خود به مثابه «ارزش» است.

به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حیثیت یا جان یا مال یا حقوق یا مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است». قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ جان، مال، سلامتی و کلیه حقوق انسانی آن‌ها در اصول متعددی آمده است؛ در اصل ۲۴ همان قانون مقرر می‌دارد: «حقوق ملت با مفهوم و هدف حق آزادی و امنیت شخصی در پیوند است». همچنین اصل ۳۰ قانون مورد نظر بر اجرای مواردی چون آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تاکید دارد.

به موجب ماده ۱۰ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یعنی «حق بر رفتار انسانی» عنصر امنیت، تضمین و حمایت مؤثر از این حق در زمره تعهدات و مسئولیت‌های اساسی و مثبت دولت‌ها قرار داده است.

موضوع ترور بیولوژیکی و شیمیایی دانش‌آموزان به استناد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرکس به طورگسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی و پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد گردد، مفسد فی الارض محسوب می‌گردد». از این بیش ماده ۶۸۸ همان قانون به نحو عام‌تری این مساله را طرح نموده و هر اقدامی علیه «بهداشت عمومی» را مشمول

حبس تا یکسال می‌نماید. البته با این اشتراط که مرتکبین به موجب قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند. همچنین ماده ۶۸۹ قانون مورد نظر تاکید می‌نماید: «اگر جرم مرتکبین به جرایم یاد شده منجر به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مجرم علاوه بر مجازات مذکور به قصاص، پرداخت دیه و در هر حال به تادیه خسارت وارد نیز محکوم خواهد شد.»

در حقیقت با استناد به همین مواد قانونی، ما با جرمی مواجه هستیم که «غیرقابل گذشت» بوده و پیگیری آن نیازمند شکایت شاکی خصوصی نیست. به نحوی که مرتکبین می‌توانند با اتهامی در سطح «محاربه» روبرو شوند که موضوع تبصره یک ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی است.

افزون بر این ماده ۶۸۷ هر نوع خرابکاری در وسائل و تاسیسات عمومی نظیر شبکه‌های آب و فاضلاب را حتی بدون داشتن منظور برای اخلال در نظم و امنیت عمومی، مستحق ۳ تا ۱۰ سال حبس می‌داند. آنچه در این ماده برجسته می‌نماید، تبصره ۱ آن است که می‌گوید: «در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی مجازات را خواهد داشت». تبصره دیگر این ماده، تنها شروع به این جرائم را مستحق یک تا ۳ سال حبس دانسته است. در واقع وجود این شائبه که مسمومیت یاد شده از طریق سیستم آب مدارس ایجاد شده، می‌تواند جرم مرتکبان را مصداق این ماده و تبصره ۱ آن بداند و آنها را ذیل مجازات «محاربه» قرار دهد. زیرا که معاون وزیربهداشت از «عمدی بودن فعل مجرمانه» سخن گفته است.

از این بیش براساس تفسیری دیگر، اقدام رخ داده می‌تواند مصداق بارز یک تروریسم سازمان یافته باشد. بر این این مهم می‌توان قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، مصوب بهمن ماده ۱۳۹۴ را مطرح نمود. برپایه بند ۴ بخش «پ» ماده یک این قانون، «تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی یا بیولوژیک، مصداق «تروریسم سازمان یافته» شناسایی

شده است. براین پایه هر نوع سم و آلودگی زیست محیطی که جان و سلامتی افراد را به خطر افکند، می‌تواند مصداق سلاح بیولوژیک یا میکروبی در این ماده باشد. و نیز در ماده ۱، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

برپایه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، بند ۱ ماده ۱ «خطر شدید» و «قریب الوقوع»: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید. بر مبنای این قانون «کودک در معرض خطر» شامل همه افراد زیر ۱۸ سال می‌شود که به هر نحوی ممکن است در معرض خطر قرار بگیرند. براین اساس «حضور نیروهای پلیس و امنیتی حتی در اطراف مدارس به دلیل ایجاد اضطراب میان دانش‌آموزان، زمینه‌ساز خطر برای کودکان است.»

فراتر از این موارد وضع قوانین کشور در حوزه حقوق کودکان زیر ۱۸ سال، از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ در دستور کار قانونگذاران قرار گرفته، اگرچه که در این میان و برای اجرایی شدن حقوق کودک در چارچوب حقوق داخلی، «حق شرط تحفظ / عدم ایفای تعهد» در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ لحاظ شده است.

از منظری دیگر، قوانین کنونی برای صیانت از امنیت شهروندان و به ویژه دانش‌آموزان دچار کاستی و ضعف بوده و دست نیروی انتظامی، امنیتی، برای نقض حق امنیت افراد باز گذاشته شده است. در واقع آنچه رخ داده در ساده‌ترین حالت ممکن، تهدید علیه بهداشت عمومی است که یک جرم غیرقابل گذشت است. به این معنا که پیگیری آن به شکایت شاکی نیاز ندارد.

**مسئولیت حفاظت از مکان‌های آموزشی در مقابل حملات شیمیایی و مسمومیت‌های ناشی از آن، مطابق قانون بر عهده کدام دستگاه یا نهاد دولتی است؟**

مسئولیت حفاظت از مکان‌های آموزشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی در ایران، همچنین برپایه ماده ۱۴۰، و ماده ۱۴۵ آئین‌نامه اجرایی مدارس، که در چهل و یکمین جلسه کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش، مصوب ۱۴۰۰، بر عهده دولت است. فراتر از این بر مبنای اظهارات یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش، مدیران مدارس و مسئولین آموزشی، باید بر اساس آئین‌نامه اجرایی، به حفظ و نظارت بر تامین امنیت و سلامت دانش‌آموزان در محیط آموزشی، عمل نمایند.

مسئولیت‌های مدارس، در قبال دانش‌آموزان که اخیراً به مدیریت پیشنهاد شده آن است که:

۱- حداکثر مراقبت و تلاش و سعی خود را بنماید تا دانش‌آموزان در فضای مناسب و امنی به سر برند و از هر نظارت و کنترلی کوتاهی نکند.

۲- آموزش‌های لازم را برای زمان‌های اورژانس به کودکان بیاموزد و در تواتر زمانی مختلف به آزمون این موارد بپردازد، همان طور که مقابله با آتش و حوادث طبیعی در دستور کار مدارس است مقابله با عملیات تروریستی و آدم ربایی و موارد مشابه آموزش داده شود. اهم یافته‌های کمیته تحقیق وزارت بهداشت شامل سی تن از برجسته‌ترین متخصصان حاکی از این است که بخش اندکی (کمتر از ۱۰ درصد) از دانش‌آموزان یک ماده محرک که از نوع گازهای جنگی، خطرناک و کشنده نبوده، استنشاق کردند و بخش اعظمی نیز تحت تاثیر آثار روحی و روانی و اضطراب قرار گرفتند.

**چه دستگاه یا نهادهای دولتی در رابطه با بررسی و تحقیق حملات شیمیایی و بیولوژیکی به مدارس دخیل هستند و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در این زمینه کدام است؟**

اگرچه در حال حاضر هنوز هویت و منشأ حملات شیمیایی به

مدارس مشخص نشده، اما نهادهای دولتی مسئول تحقیق و بررسی درحوزه حملات شیمیایی به مدارس، عبارتند از: از بالاترین سطح یعنی علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، که با توجه به بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعیین سیاستگذاری‌های کلان نظام جمهوری اسلامی را یکی از اختیارات وی اعلام کرده، تا کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان بهداشت و درمان سازمان اطلاعات و امنیت کشور، پلیس نظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع. مسئولیت پاسخگویی به جامعه ایران از یک سو و جامعه جهانی از دیگر فراز را دارند.

به حیث بین‌المللی نیز ضرورت دارد برای جلوگیری از ترور بیولوژیکی دانش‌آموزان در ایران، سازمان بهداشت جهانی، صندوق کودکان سازمان ملل از جمله سازمان یونسف، یونسکو، صلیب سرخ جهانی و دیگر سازمانهای تخصصی و ارگانه‌های ذیصلاح تنها به ابراز نگرانی اکتفا نکنند بل، به موجب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو برای پیشگیری از فجایع بیشتر که علیه کودکان و نوجوانان در ایران در شرف وقوع است اقدامات حقوقی را عملاً به انجام برسانند. سازمان یونسف در ایران/تهران نیز شعبه دارد و رئیس و نماینده این سازمان «دکتر رابین ناندی» که از مرداد ۲۰۲۱ / ۱۴۰۰ منصوب شده که باید از بی‌طرفی خارج و با استفاده از مکانیسم‌های حقوقی ورود پیدا کند به این امر، زیرا «حمایت از حقوق کودکان در جهان» از نخستین وظایف این سازمان است. نیز ماده ۸ اساسنامه رم و دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ مصداق بارز جرائم جنگی است.

در قوانین و مقررات بین‌المللی هم پیوند با بیوتروریسم، که انسان به وجه غالب و به نحو مستقیم موضوع حمله بیولوژیکی است مانند اسناد بین‌المللی مرتبط با منع سلاح‌های کشتار جمعی، اسناد بین‌المللی هم پیوند با بهداشت، سلامت عمومی و نیز امنیت غذایی و چگونگی آماج



آسیب‌های بیولوژیکی قرار گرفتن انسان به طور غیرمستقیم و محیط پیرامونی وی به طور مستقیم، نظیر تهدیدهای برضد محیط زیست، آب و حیات جانوری و گیاهی. که هیچ یک به صراحت اعمال بیوتروریسم را جرم انگاری کرده‌اند و به منظور تطبیق و تناسب جرایم با مجازات، گذشته از توصیف و امکان انتساب آن به یک دولت باید به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص مجازات دولت‌های متخلف مسبب آن در موارد مشابه استناد کرد.

### در پایان اگر سخنی یا مطلبی هست در مورد مسمومیت دانش‌آموزان در ایرن بفرمائید.

نامانی مدارس و فضاهای آموزشی آنجایی پایه‌گذاری شد که دانش‌آموزان توسط معلمان و دیگر مسئولان آموزشی مورد خشونت و آزارهای کلامی، تحقیر و تنبیه فیزیکی قرار گرفتند، نامانی مدارس محصول اقدام سازمان بسیج دانش‌آموزی در بدل کردن دانش‌آموزان به کودکان سرباز شد و رفتارهای وحشیانه نیروهای سرکوب به پادگانی شدن فضاهای آموزشی و سلب «ماهیت علمی و فرهنگی» کلاس‌های درس منجر گردید. حال آنکه پیش از این فضاهای آموزشی به عنوان یک محل امن و پایگاه قلمداد می‌شد.

ترور بیولوژیکی و شیمیایی دانش‌آموزان در چندین شهر ایران یک رخداد مهم و برجسته‌ای است که در این باب ابتدا می‌توان چندین پیش‌فرض را مطرح نظر داشت:

- آیا می‌توان پیش‌فرض براین پایه باشد که گروه/گروه‌های سیاسی این عمل را انجام دهد؟ پاسخ خیر است. زیرا این عمل «مقبولیت‌زا» نیست آنهم به حیث «وجدان عمومی جامعه»؛

- آیا یک دولت خارج از حاکمیت در ایران، چنین پروژه‌ای را دنبال می‌کند؟ پاسخ این پیش‌فرض نیز منفی است، زیرا هیچ دولت خارجی، در کشور ایران توان سازماندهی چنین عملی در سطح گسترده کشوری را ندارد، از این جهت که این عمل نیازمند انسجام نیروهای انسانی و ابزاری است.

و اما گزینه‌ها،

- تنها یک گزینه با احتمال بالای قوی، در حوزه حاکمیتی تحت عنوان «پروژه محرمانه» وجود دارد که آن نیز دارای «کف» و «سقف کارکردی» بر آن مترتب است.

در حقیقت ۱- در تراز حداقلی و کف؛ اینکه رژیم اسلامی می‌خواست تا یک چهره مخدوش شده از آپوزیسیون، آپوزیسیونی که به سمت مقبولیت می‌رفت را به صورت «گنگ» بسازد.

۲- این احساس که اگر جامعه به سمت اعتراضات وسیع‌تر خیابانی برود، ممکن است که کشور را برای شهروندان دچار «نامنی» کند که میت‌واند چنین رخدادهایی تکرار گردد.

۳- مولفه در حوزه میانی جریان؛ اینکه حکومت اسلامی، خود، روی پروژه‌های بیوتروریسم کار می‌کند و از این جهت هدف او «آزمودن تحقیقاتی» در سطح ملی، یعنی همان آزمایش‌های

بیوتروریسم و تولید آن در مراکز مربوط به انرژی هسته‌ای که بارها ناظران بین‌المللی آژانس هسته‌ای در زمان ورود به آن مراکز شاهد افزایش رادیواکتیویته با درصد بالا بودند و یا این موارد در عملیات تروریستی در برون مرز انجام یافته است.

اما در سطحی بالاتر «سقف»؛ می‌توان بیان داشت که نشان از نقض برخی پروتکل‌های جهانی وجود دارد. در این پروژه محرمانه احتمال اینکه در هسته سخت قدرت تصمیم‌سازی شده باشد وجود دارد و نیروهای بشدت تخصصی / امنیتی در این ماجرا «مجری» اند.

- گزینه دیگر؛ چرا رسانه‌های بین‌المللی بر چنین رویداد مهمی فوکوس نکردند؟

- چرا دادستان کل کشور به نمایندگی از جامعه ورود به این امر مهم نیافت؟

- چرا یک کانون عدالت خواهی در این باره تشکیل نشد؟

- چرا سازمان بهداشت جهانی، افزون بر مواد گوناگون در اساسنامه و پروتکل‌های الحاقی خود که بسیاری از کشورها از جمله ایران در سال ۱۳۲۷، آن را در مجلس شورای ملی مصوب نمود، بطور جدی وارد این امر نشد؟

- چرا کمیسیون مستقل بین‌المللی کشف حقیقت که در ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ رسماً موجودیت خود را اعلام و اعضای موسس هیئت نیز معین گردید، کارشناسی به ایران گسیل نداشت؟

- و چرا اساساً نهادهای بین‌المللی حقوقی به این نقض گسترده حقوق بشر و نیز جرم جنگی (برپایه ماده ۸ اساسنامه رم و دیوان کیفری بین‌المللی) ورود نیافتند؟

با توجه به اینکه این مهم جزو «حوزه امنیت جهانی» است و یا شاید یک «پرونده ناقص!» و این در حالی است که چنین رخدادی «تهدیدی برای امنیت جهانی» است!

## مسمومیت دانش‌آموزان جرمی غیرقابل گذشت است



### علی اصغر فریدی

مذکور به قصاص، پرداخت دیه و در هر حال به تادیبه خسارت وارد نیز محکوم خواهد شد.»

با استناد به مواد قانونی که عرض کردم، ما با جرمی «غیرقابل گذشت» مواجه هستیم که پیگیری آن نیازمند شکایت شاکی خصوصی نیست. به نحوی که مرتکبین می‌توانند با اتهامی در سطح «محاربه» روبرو شوند که موضوع تبصره یک ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی است.

علاوه بر ماده ۶۸۷ هر نوع خرابکاری در وسائل و تاسیسات عمومی نظیر شبکه‌های آب و فاضلاب را حتی بدون داشتن منظور برای اخلال در نظم و امنیت عمومی، مستحق ۳ تا ۱۰ سال حبس می‌داند.

آنچه که ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی را برجسته می‌نماید، تبصره ۱ آن است که می‌گوید: «در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی مجازات را خواهد داشت». تبصره دیگر این ماده، تنها شروع به این جرائم را مستحق یک تا ۳ سال حبس دانسته است.

**آیا می‌توان بنابه قانون، مسمومیت دانش‌آموزان را در قالب تروریسم سازمان یافته دسته‌بندی کرد؟**

در این رابطه می‌توان قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، مصوب بهمن ماده ۱۳۹۴ استناد کرد. برپایه بند ۴ بخش «پ» ماده یک این قانون، «تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی یا بیولوژیک، مصداق «تروریسم سازمان یافته» شناسایی شده است. براین پایه هر نوع سم و آلودگی زیست محیطی که جان و سلامتی افراد را به خطر افکند، می‌تواند مصداق سلاح بیولوژیک یا میکروبی در این ماده باشد. و نیز در ماده ۱، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

مسمومیت سریالی دانش‌آموزان عمدتاً دختر در ایران، به استناد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرکس به طورگسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی و پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد گردد، مفسد فی الارض محسوب می‌گردد.»

این بخشی از سخنان مختار عباسیان حقوق‌دان و وکیل دادگستری است در مصاحبه با مجله حقوق ما، در رابطه با مسمومیت سریالی دانش‌آموزان ایرانی، متن کامل این مصاحبه در زیر آمده است.

**مساله مسمومیت شیمیایی و بیولوژیکی مکان‌های آموزشی مثل مدارس در قوانین حقوقی و جزایی ایران چگونه تعریف شده است؟**

به موجب ماده ۱۰ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یعنی حق بر رفتار انسانی، عنصر امنیت، تضمین و حمایت مؤثر از این حق در زمره تعهدات و مسئولیت‌های اساسی و مثبت دولت‌ها قرار داده است.

مسمومیت سریالی دانش‌آموزان عمدتاً دختر در ایران، به استناد ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرکس به طورگسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی و پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد گردد، مفسد فی الارض محسوب می‌گردد.»

همچنین ماده ۶۸۸ همان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به نحو عام‌تری این مساله را مطرح کرده و هر اقدامی علیه «بهداشت عمومی» را مشمول حبس تا یکسال می‌نماید. البته با این شرط که مرتکبین به موجب قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند. این ماده، همچنین تاکید می‌کند که، «اگر جرم مرتکبین به جرایم یاد شده منجر به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مجرم علاوه بر مجازات



در سطح وسیع فراهم آمد.

در سال ۱۸۷۴، کنوانسیون بروکسل در مورد قانون و عرف جنگ تصویب شد. این کنوانسیون استفاده از سم یا سلاح‌های سمی و نیز کاربرد تسلیحات، پرتابه‌ها یا موادی به منظور ایجاد درد و رنج غیرضروری را ممنوع کرد. در سال ۱۸۹۹ کنفرانس صلح در لاهه برگزار شد که به امضای توافقنامه‌ای معروف به بیانیه لاهه انجامید و بر اساس آن کاربرد پرتابه‌ها ی حاوی گاز سمی ممنوع گردید.

افزون براین موارد، ماده ۸ اساسنامه رم و دیوانی کیفری بین المللی مصوب ۱۹۹۸ و اجرای ۲۰۰۲ با عنوان «جرائم جنگی و مصادیق آن، در بند II در خصوص شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های زیست شناختی، و در بند III نسبت به فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامت فرد، ممنوعیت به کاربردن سم یا سلاح‌های سمی در بند XVII و ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه در بند XVIII، به تفصیل آمده است.

فراتر از این اسناد بین المللی، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ نیز در خصوص ایمنی نهادهای آموزشی و مدارس اعلام می دارد از اهداف این سند همانا ایجاد محیط آموزشی امن، آمده است، تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، چندوجهی و منسجم و ترویج هنجارها و نظام‌هایی برای تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آنها از خشونت. در این سند همچنین آمده است، دولت‌ها باید محافظت از مؤسسات آموزشی را به عنوان یک محل آرام و به دور از خشونت تضمین کنند.

به نظر من از حیث بین‌المللی ضرورت دارد برای جلوگیری از ادامه مسمومیت دانش‌آموزان در ایران، صندوق کودکان سازمان ملل از جمله سازمان یونسف و دیگر سازمان‌های تخصصی و ارگانه‌های ذیصلاح به موجب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، از مکانیسم‌های حقوقی استفاده کنند. عدم توجه به حقوق کودکان و نوجوانان از جمله امنیت و سلامت جسم و روان آنان می‌تواند خود به سرچشمه بحران‌های دیگری تبدیل شود.

مدرسه، دانش‌آموزان، و سایر کارکنان مدرسه و فضای فیزیکی، امکانات و تجهیزات را از بیمه حوادث و مسئولیت مدنی را پیش‌بینی و فراهم کنند و در خصوص چگونگی استفاده از مزایای بیمه، کارکنان، دانش‌آموزان و خانواده آنان را راهنمایی نمایند.

**با توجه به اینکه برخی معتقدند که مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران ناشی از استنشاق گازهای غیرمتعارف است، توافقنامه‌های بین‌المللی در مورد به کارگیری این گونه مواد چه می‌گویند؟**

نخستین توافقنامه بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی برمی‌گردد به سال ۱۶۷۵، هنگامی که معاهده‌ای مبنی بر عدم کاربرد گلوله‌های سمی میان فرانسه و آلمان در استراسبورگ امضا شد. طی دویست سال پس از آن با روند صنعتی شدن و پیشرفت تکنولوژی شیمیایی امکان توسعه سلاح‌های شیمیایی

برپایه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹، بند ذ ماده ۱ «خطر شدید» و «قریب الوقوع»: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید. بر مبنای این قانون «کودک در معرض خطر» شامل همه افراد زیر ۱۸ سال می‌شود که به هر نحوی ممکن است در معرض خطر قرار بگیرند. بر این اساس «حضور نیروهای پلیس و امنیتی حتی در اطراف مدارس به دلیل ایجاد اضطراب میان دانش‌آموزان، زمینه‌ساز خطر برای کودکان است.»

البته باید این را هم یادآوری کنم که، قوانین کنونی برای صیانت از امنیت شهروندان و به ویژه دانش‌آموزان دچار کاستی و ضعف بوده و دست نیروهای انتظامی و امنیتی را برای نقض حق امنیت افراد باز گذاشته شده است اما با این حال آنچه رخ داده در ساده‌ترین حالت ممکن، تهدید علیه بهداشت عمومی است که یک جرم غیرقابل گذشت است. به این معنا که پیگیری آن به شکایت شاکی نیاز ندارد.

**قوانین ایران در مورد بهداشت و سلامت دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی چه گفته است؟**

بر اساس ماده ۱۰۵ مدیران مدرسه موظف هستند، برای ارتقای سطح سلامت و بهداشت محیط، وفق آیین نامه بهداشت محیط مدارس، ضمن رعایت استانداردهای بهداشت، ایمنی و سلامتی، اقدام و بر اموری از قبیل جلوگیری از قرار گرفتن عوامل خطرآفرین و آلودگی‌زا مانند آنتن‌های مخابراتی و... در مدرسه مراقبت کامل به عمل آورند.

در ماده ۱۴۰ آمده است، مدیر مدرسه موظف است بر اساس اهداف، وظایف، مأموریت‌ها و نیازهای مدرسه و شاخص‌ها و ضوابط مربوط، منابع انسانی مورد نیاز خود را از آموزش و پرورش درخواست نماید. آموزش و پرورش منطقه با رعایت عدالت آموزشی و با توجه به لزوم ثبات و امنیت شغلی کارکنان، موظف است در تأمین و توزیع منابع انسانی مدرسه اقدام نماید. همچنین بنابه ماده ۱۴۵، مدیران مدرسه باید زمینه بهره‌مندی

## حمله شیمیایی به مدارس؛ جلوگیری از کنشگری سیاسی زنان در ایران



جواد عباسی توللی

دختران دانش آموز در طول خیزش سراسری مردم ایران علیه حکومت جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱ و در پیوند با «جنبش زن، زندگی، آزادی»، خلاقیت شورانگیزی از اراده و شجاعت خود را برای تغییر وضعیت موجود و حذف حجاب اجباری به نمایش گذاشتند. استبداد دینی حاکم در ایران اما به جای پاسخ‌گویی به مطالبات زنان به‌ویژه زنان جوان در ایران، از اواخر پاییز سال گذشته بدین سو، سلسله حملات شیمیایی ادامه‌داری را علیه این دختران در مدارس آغاز کرده است.

با وجود اینکه مدارس به‌ویژه مدارس دخترانه در ایران ماه‌هاست تحت حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند، حکومت ایران اما به جای پاسخ‌گویی و معرفی عاملان و آمران این حملات، پیوسته از مسئولیت خود در این زمینه طفره می‌رود. «آیا حمله‌های شیمیایی به مدارس دخترانه را می‌توان سرآغازی برای اعمال محدودیت‌های بیشتر علیه زنان در ایران تلقی کرد؟ آیا این حمله‌ها را می‌توان به حملات گروه اسلام‌گرایی طالبان به مدارس دخترانه در افغانستان که جهت خانه‌نشینی کردن زنان افغان انجام شد، تشبیه کرد؟ آیا می‌توان حمله به مدارس دخترانه در ایران را تلاش حکومت ایران برای بی‌چهره سازی و حذف زنان از اجتماع، مرتبط دانست؟» مجله حقوق ما، با طرح پرسش‌هایی از این دست، با شقایق نوروزی، فعال فمینیست و موسس «صفحه #من-هم ایران» گفت‌وگو کرده است.

**به نظر شما، حملات شیمیایی به مدارس، به‌ویژه مدارس دخترانه در ایران تا چه میزان با جنبش زن، زندگی، آزادی و همچنین مسئله سرکوب زنان در ایران مرتبط است؟**  
نخست باید این نکته را یادآور شد که حکومت ایران تاکنون، به‌طور مشخص و دقیق اعلام نکرده چه افرادی مسئول حملات شیمیایی به مدارس هستند یا دست‌کم امکانی برای انجام تحقیقات مستقل در این زمینه فراهم نکرده است. در واقع، نظیر بسیاری دیگر از جنایت‌هایی که در طول حیات جمهوری اسلامی روی داده، مسئله حمله شیمیایی به مدارس هم در حال

حاضر، جزو پرونده‌هایی است که جزئیات آن دقیقاً مشخص نیست.

اگر الگوهای پیشین جنایت‌هایی را که در جغرافیای تحت حکومت جمهوری اسلامی رخ داده، بررسی کنیم، یکی از موارد حائز اهمیت در چنین جنایت‌هایی این است که حکومت هرگز اجازه نداده، مستندات دقیق و شفافی از این جنایت‌ها جمع‌آوری و به افکار عمومی اعلام شود یا هیچ‌گاه اجازه پیگیری از طرف گروه‌ها و افراد قابل اعتماد و مستقل را نداده است.

اما الگوی دیگری که در حملات شیمیایی به مدارس وجود دارد که شائبه سازمان‌یافته بودن این حملات به دست جمهوری اسلامی را تقویت می‌کند، این است که این قبیل اقدامات، شباهت زیادی با حملات سریالی علیه زنان در سال‌های اخیر دارد. در حملات پیشین سریالی علیه زنان در ایران هم، سران حکومت یا خود به‌طور مستقیم در این حملات نقش داشته‌اند یا نیروهای خودسر و آتش به اختیار آنها این حملات را انجام داده‌اند. البته سران حکومت جمهوری اسلامی همواره در طی سال‌های گذشته، با محکوم نکردن و تحت پیگرد قضائی قرار ندادن نیروهایی که در رسانه‌ها خودسر معرفی شده‌اند، از این نیروها حمایت کرده‌اند.

برای نمونه، پس از سخنرانی یک روحانی [سید احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران] که خواستار برخورد با زنان شده بود، با اسیدپاشی نیروهای خودسر، چهره چندین زن از بین رفت. مسأله این است که از نخستین سال‌های روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی، حمله به زنان در ایران وجود داشته است. از همان اولین تجمعات اعتراضی زنان که به صورت گسترده به آنها حمله شد و حتی مورد فیزیکی قرار گرفتند، تا سال‌های اخیر که حملات سازمان‌یافته‌تری مانند اسید پاشی به زنان یا شلیک به صورت، چشم و اندام جنسی زنان در خیزش سراسری ۱۴۰۱ را شاهد بودیم.

خامنه‌ای [رهبر جمهوری اسلامی] در روزهای اوج خیزش جنبش زن، زندگی، آزادی، نوجوانان را «احساساتی و هیجان زده» خواند و گفت دانش‌آموزان را ادب کنید. بنابراین، حملات هدفمند و سازمان‌یافته‌ای در طول حیات حکومت جمهوری اسلامی علیه گروه‌های اجتماعی به‌ویژه زنان همواره وجود داشته است که بر اساس آنها می‌توان نتیجه گرفت که حملات شیمیایی به مدارس دخترانه هم جنایتی است که به دست حکومت ایران انجام شده است. مسأله حائز اهمیت این است که دانش‌آموزان دختر، نقش پر رنگی در «انقلاب مهسا» داشتند و این دانش‌آموزان، با حضور

حکومت ایران، سعی می‌کند زنان، به ویژه زنان جوان و دختران نوجوان، به هیچ وجه کنشگری سیاسی نداشته باشند. در واقع، حکومت ایران از کنشگری سیاسی زنان هراس دارد.

زنان جوانی که در ماه‌های اخیر تحت حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند، در جریان انقلاب زن، زندگی آزادی، کنشگری جدی سیاسی داشتند و در زمره جدی‌ترین نیروهای این جنبش محسوب می‌شوند. هراس و نگرانی سران جمهوری اسلامی هم همین موضوع است و به دنبال آن حملات گسترده شیمیایی به مدارس دخترانه را سازماندهی کرده‌اند. در نتیجه، مساله صرفاً حذف چهره زنان از اجتماع به معنای فیزیکی نیست بلکه حکومت ایران قصد دارد جلوی کنشگری سیاسی زنان را بگیرد.

### به نظر شما آیا این حمله‌ها می‌تواند سرآغازی باشد برای اعمال محدودیت‌های بیشتر علیه زنان در ایران؟

همانطور که در پاسخ به پرسش اول به آن اشاره کردم، بررسی الگوی جمهوری اسلامی در سرکوب نشان می‌دهد که این سرکوب‌ها ادامه دار خواهد بود. به نحوی که در خبرها آمده، دستگاه‌های دولتی اعلام کرده‌اند به دختران نوجوانی که حجاب اسلامی را در مدرسه رعایت نکنند، خدمات آموزشی ارائه نخواهد داد.

در واقع، چنین رویکردی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با وقاحت، حتی در صدد است، ابتدایی‌ترین حقوق کودکان و نوجوانان یعنی برخورداری از حق تحصیل را هم نقض کند. کما اینکه بارها به طرق مختلف این کار را انجام داده‌اند. این در حالی است که بنا به هیچ دلیلی، نمی‌توان کودکان و نوجوانان را از تحصیل محروم کرد.

بنابراین، نباید فراموش کرد، حکومت ایران حتی به ادعاها و تبلیغاتی که در صدا و سیما حکومتی در جریان است تا نشان دهد کمی با حکومت طالبان در افغانستان متفاوت است و در ایران، دست کم اجازه رفتن به مدرسه برای دختران وجود دارد، هم زیاد پایبند نخواهند بود و به زودی ممکن است گام‌های بعدی را برای سرکوب شدیدتر زنان بردارند. البته هیچ‌گاه نباید از نظر دور داشت که در برابر سرکوب‌ها، مقاومت زنان هم به طور پیوسته، قوی‌تر و بیشتر شده است. کما اینکه در حال حاضر هم هیچ‌یک از دختران نوجوان، دست از مقاومت برنداشته‌اند و هر روز بر تعداد آنها اضافه می‌شود و روش‌های خلاقانه تری برای مبارزه ابداع می‌کنند.



مختلف اتفاق نمی‌افتد. نکته مهمی که اینجا وجود دارد و به حملات سازمان یافته به مدارس دخترانه هم مرتبط است، این‌که، حکومت ایران قصد دارد، حضور سیاسی و به بیان دیگر اندیشه سیاسی و کنشگری سیاسی زنان را از اجتماع حذف کند. در حال حاضر، همه انواع تبعیض‌هایی که علیه زنان وجود دارد، مانند تبعیض اقتصادی و تبعیض حقوقی در خانواده، عدم امنیت برای زنان در جامعه، در نهایت در این راستا اعمال می‌شود که زنان هیچ‌گونه سهم و مشارکتی در قدرت نداشته باشند. بالتبع، قدرت، خود را در مشارکت سیاسی نشان می‌دهد و قرار بر این است که زنان از این بخش کاملاً حذف شوند.

در ماه‌های اخیر، یکی از مقامات دولتی در جمهوری اسلامی، در توجیه حملات شیمیایی انجام شده به مدارس اعلام کرد که حکومت ایران، برای تحصیل زنان بسیار تلاش کرده است. باید گفت، مساله این نیست که برای مثال، طالبان اجازه تحصیل دختران در افغانستان را نمی‌دهد و جمهوری اسلامی این اجازه را به زنان داده است. مساله صرفاً یادگیری الفبا برای زنان نیست. (البته حکومت ایران، به انجا دیگر مانند کودک همسری و تثبیت خشونت خانگی، بسیاری از زنان را حتی از مدارس هم حذف کرده است.) مساله اصلی این است که

دختر، تنبیه و تهدیدی است علیه زنان بسیار شجاع ایران که با صراحت به علی‌خامنه‌ای اعلام کرده‌اند که کار او تمام است.

در یک مقایسه، گروه اسلامگرای طالبان، تا پیش از به قدرت رسیدن، از شیوه‌های مختلفی از جمله حمله شیمیایی و بمب‌گذاری در مدارس دخترانه افغانستان، برای خانه‌نشین کردن زنان افغان استفاده کرد. به نظر شما، آیا می‌توان حمله به مدارس دخترانه در ایران را تلاش حکومت ایران برای بی‌چهره‌سازی و حذف زنان از اجتماع، نظیر آنچه در افغانستان روی داد، دانست؟

بله، قطعاً چنین است. پایه و اساس حکومت‌های اسلامگرای تندرو نظیر جمهوری اسلامی در ایران و طالبان در افغانستان، بر سرکوب زنان و همین‌طور اقلیت‌های جنسی و جنسیتی بنا شده است. چنین حکومت‌هایی با اعمال تبعیض‌های شدید، در جامعه بین گروه مردان و شهروندانی که مرد نیستند، دوگانه‌سازی کرده و با این دوگانه‌سازی بقا پیدا می‌کنند و ادامه حکومت می‌دهند.

اما نباید از نظر دور داشت که حذف اجتماعی یا بی‌چهره کردن زنان، صرفاً برای حذف فیزیکی زنان از عرصه‌ها و فضاهای

گسترده و بسیار بی‌نظیر خود، برای اولین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷، تصاویری بی‌نظیر از همبستگی زنان بسیار جوان را خلق کردند. در واقع، دختران نوجوان، با اعتراض در محیطی مانند مدرسه، جایی که حکومت ایران امید داشت بتواند این دانش‌آموزان را کاملاً به سربازهای خود تبدیل کند، مقاومت بی‌مانندی را به نمایش گذاشتند.

اگر همه این موارد را کنار یکدیگر بگذاریم، می‌توان گفت حدس ما درباره سازمان یافته بودن حملات شیمیایی به مدارس دخترانه به دست حکومت ایران، بسیار نزدیک به واقعیت است.

این نکته را هم اضافه کنم که همه حملات سازمان یافته علیه زنان در ایران تنها برای حذف زنان از جامعه، انجام شده است. در اینجا منظور از حذف زنان از جامعه، یعنی حذف زنان از فعالیت‌های اقتصادی، سیاست؛ فضاهای عمومی و حتی حذف زنان از فضاهای امن درون خانه‌هاست. حکومت ایران حتی در فضاهایی مانند خانه هم با قوانینی که وضع کرده و با تهدیدها و تنبیه‌هایی که به دنبال این قوانین اعمال می‌کند، به دنبال حذف عاملیت زنان است.

بر همین اساس، حملات سازمان یافته علیه دانش‌آموزان



سیروان منصوری

**مسئولیت حفاظت از مکان‌های آموزشی در مقابل حملات شیمیایی و مسمومیت‌های ناشی از آن، مطابق قانون بر عهده کدام دستگاه یا نهاد دولتی است؟**

مسئولیت حفاظت از مدارس در درجه اول بر عهده آموزش و پرورش است، به هر حال این آموزش و پرورش است که مسئول است تا جلو ورود هر آسیبی را به دانش‌آموزان بگیرد. در مرحله دوم ظابطین دادگستری یعنی همان نیروهای انتظامی هستند که اگر احتمال حمله به یک مدرسه‌ای به هر ترتیبی وجود دارد، این ارگان با دستور قضایی، مسئول حفاظت از مدرسه است.

**قانون‌گذار برای مجازات مرتکبین این حملات، چه مجازات‌هایی در نظر گرفته است؟ مواد قانونی این مجازات‌ها کدام است؟**

آنچه که می‌شود گفت شامل حال این افراد می‌شود، چون این خیلی گسترده است و مشخص بوده که سیستماتیک است و هدف هم فقط یک نفر یا دو نفر نیست، به نظر می‌رسد که مشمول ماده ۲۸۶ می‌شوند که گفته است: هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی شود و این باعث اخلاص در نظم عمومی کشور و ناامنی در کشور شود، شخص مفسد فی‌الارض است و به اعدام محکوم می‌شود. فارغ از این بحث که اعدام خوب است یا بد، اینجا ما شاهد یک اقدام علیه تمامیت جسمانی دانش‌آموزان بودیم و در این ماده به پخش مواد سمی و میکروبی اشاره شده است که باعث اخلاص در نظم و ناامنی شد و واقعا هم همین‌طور بود. فرض کنید در این مساله هزاران خانواده درگیر شدند و عده‌ای بچه‌هایشان را به مدرسه نفرستادند و یک اخلاص شدید را در جامعه به وجود آورد، بنابراین میشود گفت که اشخاصی که مرتکب این کار شدند، بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اصولا باید در قالب افساد فی‌الارض محاکمه شوند.

بر اساس تعریف پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواست‌های سیاسی یا اجتماعی.

در هفته‌های اخیر حملات شیمیایی و بیولوژیکی به مدارس در بیشتر نقاط کشور، بحث داغ روز بوده است، به نحوی که ضمن بستری شدن بسیاری از دانش‌آموزان در بیمارستان‌ها، فضایی از بیم و ترس در بین والدین و خانواده‌ها ایجاد کرده است. در همین رابطه با موسی برزین وکیل دادگستری و حقوقدان به بحث نشستیم و این مساله را از بعد داخلی و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار دادیم.

**مساله مسمومیت شیمیایی و بیولوژیکی مکانهای آموزشی مثل مدارس در قوانین حقوقی و جزایی ایران چگونه تعریف شده است؟**

در قوانین ایران یک جرم مشخصی به عنوان اینکه به مدرسه‌ای حمله شیمیایی بشود وجود ندارد، بنابراین باید در چهارچوب قواعد کلی و جرائم دیگه‌ای که کلی‌تر است، این را بررسی کنیم. آن هم میتوان گفت: که یکی تهدید علیه بهداشت عمومی است و دیگری با توجه به اینکه این مساله حمله شیمیایی به مدارس خیلی گسترده است، این را هم می‌شود گفت که مشمول افساد فی‌الارض است که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. به هر حال به طور کلی ممنوع است و این اقدام جرم‌انگاری شده است.

## مسمومیت شیمیایی در مدارس ایران





چه دستگاه یا نهادهای دولتی در رابطه با بررسی و تحقیق حملات شیمیایی و بیولوژیکی به مدارس دخیل هستند و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در این زمینه کدام است؟

چون این مساله یک جرم است و وقتی جرمی اتفاق می‌افتد این دادستانی است که باید وارد عمل شود، یعنی در اینجا متولی اصلی و مسئول اصلی پیگیری در این واقعه و تحقیق و پیگیری، قوه قضاییه است. حالا قوه قضاییه باید با همکاری وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی، باید در کشف حقیقت تلاش کنند. بنابراین مسئولیت اصلی با قوه قضاییه است.

**جبران خسارت و غرامت به خانواده‌های قربانیان اعم از فوتی و مصدومان به چه صورت است و از کدام منابع مالی تامین می‌شود؟**

بعد از اینکه مسئول مشخص شد، یعنی اینکه چه کسی این اقدامات را انجام داده است، آن شخص هست که باید محکوم به پرداخت غرامت، دیه یا هر چیز دیگری شود، ولی با توجه به اینکه مسئولان هم برای کشف مساله تلاشی نکرده‌اند، میتوان گفت به نوعی آنها هم از این منظر مسئولیت دارند، به نظر بنده این مساله‌ای است که خود سیستم‌های امنیتی هم در آن دخیل هستند، ولی هرکسی که مرتکب این عمل شده، مسئول جبران خسارت است.

**آیا تاکنون تحقیقاتی از سوی دولت درباره مسمومیت‌های اخیر انجام شده است؟ آیا هیات یا هیات‌هایی مسئول رسیدگی به این کار شده‌اند؟ اگر جواب مثبت است، چه نتایج تاکنون حاصل شده است؟**

حاکمیت اعلام کرد که عده‌ای از جمله در شیراز دستگیر شدند و با اخبار مضحک مسایلی را عنوان کردند که کسی هم باور نکرد، چون این مساله در اکثر شهرها اتفاق افتاده

نداشته باشد. بنابراین ممکن است اگر زمانی مسئولی از کشور خارج شود، کشورهایی که این صلاحیت‌ها را در قوانین خودشان دارند، بتوانند در این مورد رسیدگی کنند و شخص را محاکمه کنند. از طرف دیگر در جامعه بین‌الملل هم این یک نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر است؛ اولاً ضربه‌ای به حق سلامت و جان افراد است، حق حیات و حق داشتن سلامتی یکی از حقوق بنیادین انسان‌هاست که به هیچ وجه نمی‌شود آن را محدود یا نقض کرد. بنابراین در اینجا اولاً حق حیات و حق سلامت نقض شده است، دوماً حق بر آموزش است یعنی هر کسی حق دارد آموزش ببیند و وقتی اسناد بین‌المللی از حق آموزش می‌گویند که خود کشور ایران هم پذیرفته است، مثل میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و یا میثاق حقوق مدنی و سیاسی، یعنی اینکه باید شرایط آموزش در یک محیط امن فراهم بشود. وقتی که حمله شیمیایی به خیلی از مدارس اتفاق می‌افتد، قطعاً هم دانش‌آموزان و هم اولیا آنها در یک شرایط استرس‌آمیز خاصی قرار می‌گیرند و محیط مدرسه را امن تلقی نمی‌کنند و بنابراین مساله حق آموزش با یک خلل جدی مواجه خواهد شد. این حقوق پایه که در اثر این حملات شیمیایی نقض می‌شود، این اجازه را به شورای حقوق بشر سازمان ملل و یا کمیته‌های دیگری که وظایفی در رابطه با حق آموزش، حق حیات، حق سلامت دارند می‌دهد که از مکانیسم‌هایی که در دست دارند استفاده کنند. مکانیسم‌ها متفاوت است مثل صدور قطعنامه، محکومیت ایران و حتی می‌توانند پرونده را در مجمع عمومی مطرح کنند. در صورت محکومیت ایران به خاطر حملات شیمیایی، راه برای اعمال فشار نهادهای بین‌المللی باز می‌شود.

در کل حمله شیمیایی به مدارس فقط مسئولیت داخلی ندارد، بلکه برای حکومت ایران یک نوع مسئولیت بین‌المللی هم دارد.

کند، علاوه بر نظمی که در داخل آن سرزمین است. این مسمومیتها هم میتواند چنین جنبه‌ای را پیدا کند، یعنی نباید اینطوری نگاه کرد که این مساله فقط مربوط به ایران است که اگر حکومت ایران برخوردی انجام داد یا نه، خاتمه پیدا کند. اگر واقعا در داخل کشور یک رسیدگی عادلانه نشود و عاملان و آمران این جنایت حمله شیمیایی را پیدا نکنند و محاکمه نکنند، در آن صورت جامعه جهانی و دولتهای خارجی می‌توانند که از لحاظ حقوقی یک سری صلاحیت‌هایی را پیدا کنند. از جمله آنکه در مقوله حقوق کیفری اصلی به نام صلاحیت جهانی داریم که در این اصل به کشورهای خارجی اجازه می‌دهد که اگر جنایت علیه بشریت و یا پاکسازی یک قشری به صورت سیستماتیک انجام شود، بتوانند دخالت کنند، مثل موردی که در رابطه با آقای حمید نوری در سوئد اتفاق افتاد. در اینجا هم یک بعد جنایت علیه بشریت دارد اتفاق می‌افتد، نه اینکه جرم ساده‌ای که بررسی شدن یا نشدنش ربطی به جامعه جهانی

و نمیتواند کار چند نفری باشد که به قول معروف شیطنت کرده باشند. دسترسی به آن سموم هم کار راحتی نیست، بنابراین همه چیز نشان می‌دهد که این یک پروژه امنیتی بود که خود حکومت آن را به وجود آورد و ادامه داد. تا جایی که تحقیقات صورت گرفته و اخباری هم که منتشر شده، به هیچ وجه نمی‌تواند نشانگر حقیقت و اراده حکومت برای یافتن افرادی باشد که این کارها را انجام داده باشند.

**جایگاه کشورها از لحاظ حقوقی در جامعه جهانی در اینگونه موارد چگونه تعریف شده است؟ آیا این مساله تبعاتی برای ایران در سطح بین‌المللی دارد؟ حقوق بین‌الملل در این رابطه چه می‌گوید؟**

بعضی از اقدامات و یا بهتر است بگوییم بعضی از جرایم وجود دارند که به دلیل اینکه خیلی گسترده هستند و اثرات مخرب زیادی دارند، در قالب جرایمی قرار می‌گیرند که ممکن است نظم بین‌الملل و نظم جهانی را هم مختل



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)